

پاسخ به یک اتهام  
در باره خاتمی

حسین شریعتمداری، مدیرمسئول روزنامه کیهان در ادامه روند اتهام‌زنی‌های تکراری خود به اصلاح‌طلبان، یکبار دیگر سراغ سیدمحمد خاتمی رفت. در بخشی از سرمقاله این روزنامه در روز پنجشنبه آمده بود: «آقای خاتمی در فتنه آمریکایی-اسرائیلی ۸۸ هم‌برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران از دستورالعملی که جرج سوروس، صهیونیست در جریان دو بار ملاقات به وی دیکته کرده بود، پیروی کرد و به جای همراهی با مردم وطن خویش، با دشمنان تابلودار اسلام و انقلاب هم‌پیمان شد و با ادعای تقلب در انتخابات که به گفته ریچارد هاوس، مسئول شورای روابط خارجی آمریکا، «رمز جنبش سبز»! بود، به میدان مقابله با اسلام و انقلاب آمد. خاتمی از کیهان به خاطر افشای ملاقات‌هایش با جرج سوروس شکایت کرده است ولی از آنجا که می‌داند اسناد غیرقابل انکاری از این ملاقات پنهان و توطئه مقابله با نظام در اختیار داریم، پیگیر شکایتش نیست.»

## ▼ شریعتمداری مستندی ارائه نکرد

پس از تکرار این ادعا، دو وکیل سیدمحمد خاتمی در گفت‌وگو با جماران به این موضوع واکنش نشان دادند. سیدمحمد انجام، در ابتدا گفت: «در پی اظهارات جناب آقای شریعتمداری در برنامه تلویزیونی و طرح افتراء دیدار موکل با جرج سوروس، شکایتی در سال ۱۳۸۸ تنظیم و تسلیم مراجع قضایی شد، ابتدا موضوع در شعبه ۹ بازپرسی کارکنان دولت مطرح شد و متهم دعوت و تفهیم اتهام صورت گرفت و به جهت عدم ارائه هرگونه مستندی در خصوص افتراء مطروحه قرار تعقیب کیفری نیز صادر شد. اما جهت وجود پرونده‌های عدیده علیه متهم، قرار شد پرونده‌ها تجمیع و رسیدگی شود.»

## ▼ خروج پرونده از روال رسیدگی

او ادامه داد: «متأسفانه دادستان وقت این پرونده‌ها را از روال رسیدگی خارج کرد و پیگیری‌های اینجانب که مستند به مکاتبات عدیده با شخص دادستان، معاونت‌های محترم قوه قضائیه و ریاست وقت قوه قضائیه مفید فایده نبود و النهاییه، پس از تشکیل دادسرای امور رسانه به شعبه دو بازپرسی ارجاع گردید و در نهایت به جهت مرور زمان قرار موقوفی تعقیب صادر شد که از مقام محترم ریاست قوه قضائیه استدعا دارم به جهت اینکه قرار موقوفی تعقیب بی‌وجه بوده و در واقع تملل در اقدامات تعقیبی از جانب دستگاه قضایی بوده، دستور اقدام رسیدگی صادر فرمایند.»

## ▼ مخالفت با احضار سردار نقدی

رضا باقری، دیگر وکیل خاتمی درباره دو پرونده دیگر توضیح داد و گفت: «بخست درباره تهمتی است که سردار محمدرضا نقدی، علیه آقای خاتمی در مصاحبه‌ای با روزنامه شرق زده و گفته بود، «آقای خاتمی از پادشاه عربستان پول گرفته که در ایران کار سیاسی کند»، ما شکایت کردیم. چون مستند شکایت غیرقابل انکار بود، بازپرس آقای نقدی را احضار کرد. آقای نقدی نه تنها از حضور در مرجع قضایی خودداری کرد، بلکه طی لایحه‌ای مشحون از تهمت و توهین، که قابل پیگرد کیفری هم است، به‌عنوان دفاع اعلام کرد. مستند اظهاراتش در اطلاعات سپاه موجود است. بازپرس محترم، مکاتبات و پیگیری‌های زیادی کرد که ایشان را احضار کند، اما احضار ایشان منحصراً از طریق دفتر ویژه و با موافقت فرمانده کل قوا امکان پذیر بود. دستورالعمل نحوه احضار و جلب فرماندهان و مسئولان نظامی، مصوب فرمانده کل قوا به هر حال پس از بیش از دو سال پیگیری و اطلاع دادرسی فرمانده کل قوا با احضار ایشان به مرجع قضایی مخالفت کردند.»

او ادامه داد: «من شخصاً به‌عنوان یک شهروند و نه وکیل آقای خاتمی، طی شکایت مفصلی عنوان دیوان عدالت اداری نشان دادم که این دستورالعمل با قانون اساسی و قانون عادی و موازین قضایی و عدالت و روایت و مصلحت و حقوق بشر باهداتا ناسازگار و مغایرت بین دارد. تقاضا کردم آن را باطل کنند. هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به رغم تمام ایرادات و اشکالات و توالی فاسد دستورالعمل رای داد که چون مصوب مقام معظم رهبری است، قابل ابطال نیست.»

## ▼ اجازه احضار کریمی قدوسی را ندادند

باقری ادامه داد: «پرونده دوم موضوع تهمتی بود که آقای کریمی قدوسی به آقای خاتمی زده بود. بنده به اتفاق همکارم طرح شکایت کردیم. آن هم پس از مدت‌ها پیگیری و دوندگی، مجلس انقلابی، همین مجلسی که اکنون حضور دارد، به استناد ماده ۹ قانون نظارت مجلس، بر رفتار نمایندگان اجازه احضار ایشان را نداد. واقعیت اینجاست که کسانی که به آقای خاتمی تهمت می‌زنند و توهین می‌کنند، از نوعی مصونیت برخوردارند.»

## حمیدرضا جلائی‌پور استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران:

## جبهه‌اصلاحات قوه‌هاضمه خود را برای پذیرش تکثیر افزایش دهد

حاکمیت و جامعه ایران (نظم دوئنی/هیبریدی و دسترسی محدود) ممکن و مطلوب‌تر است. اما آینده سیاسی اصلاح‌طلبان به نظم بستگی به تعهد عملی شان، هم به اهداف (دموکراسی و آزادی و عدالت و توسعه) و هم به مسیر و روش (تدریجی) دارد.

## ▲ تفرقه‌های که بین اصلاح‌طلبان ایجاد شد؛ روزه‌گشاها و جبهه اصلاحات؛ چه تأثیری بر آینده اصلاح‌طلب‌ها خواهد گذاشت؟

به این دوگانه قائل نیستم. بیانیه روزه‌گشایی یک بیانیه تحلیلی و راهبردی خطاب به نیروهای سیاسی و مدنی (از جمله اعضای جبهه اصلاحات بود) و نه یک جبهه یا تشکل یا بیست انتخاباتی. بخشی از نیروها در میان اصلاح‌طلبان با پیشنهاد بیانیه برای روزه‌گشایی در انتخابات ۱۴۰۲ همراهی نکردند و بخشی از نیروهای اصلاح‌طلب و میان‌رو هم‌راهی کردند و در عمل هم روزه‌هایی فراتر از انتظار اولیه گشوده شد (۵ مورد) را در یادداشت روزنامه اعتماد توضیح دادم و اینجا تکرار نمی‌کنم. هر دو گرایش در جبهه اصلاحات هم حامیان دارد و هر دو گرایش به مصوبه جبهه‌مبنی بر لیست ندادن به نام جبهه و ائتلاف اصلاح‌طلبی پایبندی داشتند. برآورد من این است که بعد از انتخابات و در انتخابات ۱۴۰۴

حمیدرضا جلائی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب معتقد است که آینده اصلاح‌طلبان در ایران به عوامل متعددی بستگی دارد و در بین اصلاح‌طلبان باید بین رویکرد تغییر تدریجی و ناگهانی تمایز قائل شد. او در گفت‌وگو با هم‌میهن توضیحاتی در این باره داده است که در ادامه می‌خوانید:

## ▲ آینده اصلاح‌طلبان را بعد از انتخابات ۱۱ اسفند چطور ارزیابی می‌کنید؟

این آینده به عوامل متعددی بستگی دارد که بخشی‌اش قابل پیش‌بینی نیست. با این حال به‌نظم باید بین آینده اصلاح‌طلبی (تغییرخواهی تدریجی و خشونت‌پرهیز و قانونی در مسیر بسط دموکراسی، توسعه، عدالت و آزادی) و آینده اصلاح‌طلبانی که به‌دنبال تغییرات سریع‌تر ساختاری هستند، تفکیک ایجاد کرد. به آینده اصلاح‌طلبی خوش‌بینم، چون به نسبت انقلابی‌گری نآرام (تغییر دفعی خشونت‌آمیز)، انقلابی‌گری آرام (تغییر دفعی خشونت‌پرهیز) و اقتدارگرایی واپس‌گرا در وضعیت موازنه‌های کنونی و شرایط ساختاری و نهادی



## اصلاح‌طلبان پس از ۱۱ اسفند

## بررسی موقعیت پیش روی اصلاح‌طلبان پس از انتخابات مجلس دوازدهم

شورای هماهنگی جبهه اصلاحات با نام «شورای هماهنگی جبهه دوم خرداد» تشکیل شد و ائتلافی را تشکیل داد که اولویت اولیه حمایت آنها از محمد خاتمی بود اما اختلافات در بین نیروهای اصلاح‌طلب آغاز شد و عدم موفقیت در ارائه یک لیست واحد منجر به شکست آنها در انتخابات شورای شهر تهران شد. رویکردهای اصلاحاتی اصلاح‌طلبان که مورد توجه بسیاری از مردم قرار گرفته بود، کم‌کم شورای نگهبان راه‌سمت‌وسوی تصمیم‌گیری‌های رادیکال‌تری کشاند؛ رذصالحیت گسترده نیروهای ائتلاف اصلاح‌طلب برای شرکت در انتخابات مجلس هفتم، منجر به تحصن جمعی از نمایندگان در صحن مجلس شد و این تحصن بی‌نتیجه، سرانجام با انتشار یک بیانیه و قرائت ۴ متن استعفا و رای آوری آن پایان یافت. کسانی که در مجلس تحصن کرده بودند از ورود و تشویق به حضور در انتخابات سربرازند و اصولگرایان بنا بر شرایط پیش‌آمده عمل‌آبی هیچ سختی‌ای برنده انتخابات شدند و این آغاز فشار هسته سخت قدرت برای کنار زدن جریان‌ی بود که مردم آن را با رویکرد اصلاحی دولت خاتمی می‌شناختند. در این بین اشتباه استراتژیک صورت گرفته در انتخابات ۱۳۸۴ و عدم ائتلاف مؤثر این جریان موجب شد که ورق به‌طور کامل برگردد و با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد، عملاً تجربه بسته شدن فضای سیاسی به‌ویژه برای جناح چپ و اصلاح‌طلبان دوباره رقم بخورد؛ فضایی که عملاً در

## منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاسی



با گذشت دوده از انقلاب اسلامی، گفت‌مان اصلاح‌طلبی را رویکردی روشنفکرانه در فضای سیاسی ایران ظهور کرد و در هشت سال دوران ریاست جمهوری سیدمحمد خاتمی، بر روند تحولات سیاسی و اجتماعی کشور تأثیرات بسیاری داشت. علاوه بر توسعه سیاسی و بهبود وضعیت اقتصادی کشور، از گفت‌وگویی تمدن‌ها گرفته تا ماجرای افشای قتل‌های زنجیره‌ای و حادثه کوی دانشگاه، اتفاقات مهمی بود که در این دوران رخ داد؛ اتفاقاتی که برخی روز رسانه‌ای آن را ناشی از فضای باز سیاسی موجود در کشور می‌دانستند. دورانی که به دلیل رشد جمعیت تحصیل‌کرده، تأکید بر شعارهایی از جمله آزادی، دموکراسی و حرکت به سمت قانون‌گرایی باعث شد تا خواسته‌های مدنی و سیاسی شهروندان جهشی در مشارکت‌طلبی و حضور بیشتر در کنش‌های سیاسی کشور ایجاد کند. دورانی که از آن به‌عنوان بهار اصلاحات در ایران یاد می‌شود. یک سال بعد از پیروزی دوم خرداد،

هم‌بخش بزرگ‌تری از جبهه و اصلاح‌طلبان و میان‌روها به سمت تقویت میانه (به جای قطبی‌سازی) و روزه‌گشایی تدریجی و جدی گرفتن مداخله انتخاباتی حرکت می‌کنند و بخش دیگری هم که از امکان اصلاح نامی‌بند، به انواع گذارگرایی گرایش شفاف‌تری پیدا می‌کنند. امیدوارم هاضمه جبهه اصلاحات برای پذیرش و پوشش تکثیر افزایش‌یابد. همچنین امیدوارم کسانی که به‌گزینه‌های فرااصلاحی و گذارگرایی متمایل می‌شوند، لااقل نخواهندذیل نام اصلاحات چنین کنند؛ چون آینده‌نهادهای اصلاح‌طلبان و ظرفیت‌گشایش‌گری مصلحانه‌شان را با مشکل مواجه می‌کند.

## ▲ عدم مشارکت آقای خاتمی در انتخابات و اظهارات اخیر ایشان آیا منجر به تغییر رویکردی در دو گروه اصلاح‌طلب موافق و مخالف شرکت در انتخابات خواهد شد؟

مشی کلی جناب آقای خاتمی و اظهارات اخیرشان در طراز رهبری تکثیر پذیر این جریان و نشانگر این است که رای ندادن‌شان در این دوره نه انتخابی استراتژیک که نوعی تلاش برای همدلی عاطفی با ناراضیان رای ندهنده بوده است. ارزیابی من از منظومه‌بینش و منش ایشان و حتی محتوا و کلیواژه‌های همین صحبت اخیرشان (از جمله تأکید بر مصالحه/توافق و مردم‌سالاری توسعه‌گرا که از محورهای اصلی بیانیه روزه‌گشایی هم بود و لازمه‌اش تقویت میانه‌است و نه قطبش) این است که ایشان همچنان بین جامعه‌محوری و جدی گرفتن انتخابات‌های بعدی، تعارضی نمی‌بینند. شخصاً فکر می‌کنم خود رای ندادن ایشان در این دوره شاید کمی در جهت عکس اهدافی که در صحبت‌شان ذکر کرده بودند، عمل کند و ناخواسته امکان نقش‌آفرینی مجموعه نهادهای اصلاح‌طلبان در تسهیل مصالحه و توافق و تمهید شرایط

پی هر انتخابات در کنار رذصالحیت‌ها ناکامی را برای این جریان به همراه داشت.

فضای سیاسی کشور در دوران ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد بسیار متفاوت شد. رویه سیاسی داخلی و بین‌المللی پیش‌گرفته در دوران احمدی‌نژاد و بر خودها یا تشکل‌های سیاسی کشور را در مسیر پسرفت دور از انتظاری کشاند و اتحاد بین اصلاح‌طلبان نیز با ایجاد یک انشعاب جدید در آستانه انتخابات به چالش کشیده می‌شد. لیست واحد انتخاباتی شورای شهر تهران در سال ۱۳۸۵ با ظهور حزب تازه‌تاسیس اعتماد ملی منسحب شد و در انتخابات سال ۱۳۸۶ نیز این اعتماد ملی بود که لیست واحد اصلاح‌طلبان را به چالش کشید و در هر دو انتخابات اصلاح‌طلبان ناکام انتخابات شدند. فضای ملتهب سیاسی کشور در دوران احمدی‌نژاد به‌ویژه در عرصه سیاست خارجی باعث شد تا در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۸ اتحادی برای برون‌رفت از وضع موجود شکل گیرد که با پاسخ مثبت مردم نیز همراه بود؛ هرچند که در نهایت رئیس دولت بعدی هم احمدی‌نژاد بود. در همین فاصله تا انتخابات ۱۳۹۲ تشکیل‌های مؤثر اصلاح‌طلبی از جمله جبهه مشارکت ایران اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران نیز توقیف شدند و انتخابات مجلس نهم در سال ۱۳۹۰ هم موجب شد که نه‌تشکل‌های باقی‌مانده اصلاح‌طلب تصمیم‌به‌حضور جدی بگیرند و نه پایگاه رای سرخورده آنها در این مسیر گام بردارند؛ البته که خاتمی در این انتخابات با توجه به ناراضی‌تی پس از اعتراضات ۱۳۸۸ و بر خوردهای شدید با چهره‌های اصلاح‌طلب و تصمیم اکثریت به عدم حضور مؤثر در انتخابات، در نهایت به دماوند رفت و برگه رای خود را در یکی از شعب اخذ رای به صندوق انداخت. همین اتفاقات در کنار حواشی روزهای منتهی به انتخابات ریاست‌جمهوری را شاید بتوان از جمله عواملی دانست که موجب اتحاد بعدی این جریان و پایگاه رای‌اش در جامعه در سال ۱۳۹۲ شد؛ اتحادی که باعث شد تا در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۲ با وجود رذصالحیت هاشمی‌فروتنجانی، با حمایت این جریان از حسن روحانی، او پیروز انتخابات شود. اما به تدریج دغدغه اصلاح‌طلبان، از سوی بسیاری از مردم، دغدغه‌ای متفاوت از خواسته‌های جامعه شد؛ به‌ویژه که پس از حمایت ۲۴ میلیونی از حسن روحانی در انتخابات سال ۱۳۹۶، رویکردهای او به‌شدت مورد انتقاد مردم قرار گرفت. نحوه پاسخگویی او به مردم، تصمیماتی که در جریان سهمیه‌بندی بنزین گرفت و در ادامه رویکرد او و دولت‌مدارانش در موضوع سقوط هواپیمای اوکراینی و مدیریت کرونا و توزیع واکسن، بزرگترین و تاریخی‌ترین قهر مردم در انتخابات را رقم زد. بخشی از اصلاح‌طلبان در دو انتخابات مجلس یازدهم و ریاست‌جمهوری سیزدهم تلاش کردند که مردم معترض را پای صندوق رای‌های رای بکشاند (بخشی که از میزان موافقان باقیمانده در این تشکل در آستانه انتخابات دوره دوازدهم مجلس بیشتر بود) و البته این‌ها هم در همه این ادوار معترض و منتقد عملکرد شوروی نگهبان و نظارت استصوابی بودند. در نتیجه اما انتخابات مجلس یازدهم با وجود لیستی که برخی تشکل‌های اصلاح‌طلب داده بودند

## چه تأثیری بر آینده اصلاح‌طلب‌ها خواهد گذاشت؟

کلمه تفرقه با توجه به صحبت‌هایی که فعالان سیاسی اصلاح‌طلب مطرح کردند، چندان دقیق نیست. افراد مهم آن، خود را منتسب به اصلاحات می‌دانند و هیچ تردیدی در این ندارند. البته که برخی تندی‌ها که طبیعت فضای انتخابات است معمولاً مطرح می‌شود که متأثر از شرایط همان زمان است و بعد از انتخابات خاتمه‌پیدا می‌کند. بخش از این تفاوتی که می‌بینید وجه تحلیلی و یک بخش دیگر عملی دارد. در بخش تحلیلی باید این نکته را در نظر داشت که در اصلاح‌طلب‌ها همیشه این شکاف وجود داشته است و برخی طرفدار مواضع تندتر و رادیکال‌تری بودند و برخی معتقد بودند این راه درست نیست و معتقد به تعامل و مشارکت با حفظ اصول اصلاح‌طلبانه بودند و معتقد اکثریت قاطع با گروه دوم است. اما بخشی از این افراد در عمل و در انتخابات اخیر، مسیر جداگانه‌ای را طی کردند که فکر نمی‌کنم بتوانند تأثیری در آینده اصلاح‌طلبان بگذارد.

## ▲ عدم مشارکت آقای خاتمی در انتخابات و اظهارات اخیر ایشان آیا منجر به